

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۱/۱۸

نصیر فیاض

چرا امریکا از حمله علیه ایران پا به عقب کشید



نصیر فیاض

تحولات اخیر در حوزه روابط بین الملل و دامنه اعتراضات اخیر در ایران قاعده تحلیل آگاهان سیاسی و تعداد معدود از تحلیل گران روابط بین الملل را به طرز عجیبی به چالش کشید.

نگاه ها همه بر قطعیت حمله امریکا و اضمحلال جمهوری اسلامی ایران به رهبری آیت الله خامنه ای تمرکز یافته بود.

هرچند قاعده خطاپذیری در علوم انسانی و بویژه حوزه روابط بین الملل امر طبیعی و پذیرفته شده است اما سرعت تحولات و فرصت بدست آمده برای اسرائیل و امریکا حس وسواس در تحلیل ها را به گونه نامتعارف به پاسخ مثبت مسیر داد.

از نظر علم سیاست و فن تحلیل در حوزه روابط بین الملل هیچ قاعده و فرمول مشترک تحلیل و پیش بینی وجود ندارد و قاعدتا تحلیلگران با توجه به روش های منحصر به فرد به قضایا نگاه می کنند و تصویر های پراکنده از تحولات و رویداد های سیاسی ، اقتصادی و نظامی را با توجه به فاکت ها، آمار و داده ها کنار هم قرار داده و با وصل نقاط مشترک مسیر احتمالی حرکت بعدی را شکل می دهند ، اما فراموش نباید کرد که این مسیر همیشه تحقق پذیر و مثبت نیست و بعضاً با قاعده پذیرفته شده خطاپذیری روبرو می شود درست مثل بحث حمله امریکا علیه ایران. من در اینجا می خواهم بحث عقب نشینی فوری امریکا علیه ایران را از منظر داینامیک مجمع های امنیتی و بازیگران فرامنطقه ای بررسی کنم.

برای ساده سازی بحث رفع تهدید فوری علیه ایران را در سه محور خلاصه می کنیم .

نخست بر بازیگران اصلی در شرق میانه تمرکز می کنیم .

بعد از سقوط مصر و عراق نظم امنیتی شرق میانه در محدوده رقابت چهار قدرت اصلی ایران، ترکیه، اسرائیل و عربستان سعودی مسیر می گیرد. هر کدام از این قدرت ها در تلاش اعمال نفوذ و گسترش دایره مانور در محدوده کشورهای آسیب پذیر و ضعیف منطقه هستند. روند این بازی در چتر مجمع های امنیتی بزرگتر و نظارت بازیگران فرامنطقه مثل چین، روسیه در محدوده کمرنگ تر اتحادیه اروپا و تنها بازیگر هژمونیک یعنی امریکا گره خورده است که این بازیگران بزرگ در هماهنگی اعلام ناشده رفتار قدرت های منطقه ای را به نفع خود کنترل می کنند .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

سرعت تحولات اخیر در سقوط نظام های خودکامه و دیکتاتور شرق میانه اسرائیل را از جایگاه یک قدرت آسیب پذیر به بازیگر طراز اول این منطقه و برخلاف ایران را از جایگاه اول به بازیگر آسیب پذیر تقلیل داده است. دوام رقابت، تعریف و بازتعریف جایگاه های این بازیگران با توجه به تهدیدات بالفعل و بالقوه علیه همدیگر جذاب ترین فاکتور منفعت را برای بازیگران بزرگ مثل ، امریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه است به گونه که دوام نگرانی از گسترش نفوذ ایران در شرق میانه اعم اسرائیل و سعودی ها را وای دارد که ملایارد ها دالر در بودجه دفاعی شان اضافه کنند و قرار داد های بزرگ خرید اسلحه از امریکا و اتحادیه اروپا را رقم بزنند در حالیکه ایران ناگزیر است مسیر آیین رقابت تسلیحاتی را از بازارهای تسلیحاتی چین و روسیه جبران کند. تداوم این روند به گونه مسیر می گیرد که بازیگر که از قافله این رقابت عقب بیفتند به گونه اتوماتیک حذف می شوند. در اینجا تجسم روند (تهدید و توازن) در دایره منافع قدرت های بزرگ، درست شکل یکسان بازی در جنوب آسیا میان هند و پاکستان را نیز مسیر می دهد. بنابر آن حذف ایران از گردونه رقابت وجود تهدید علیه اسرائیل و سعودی را از میان خواهد برد، درست نکته که این دو کشور را نیازمند خرید ملایارد ها دالر اسلحه از امریکا ساخته است.

فاکتور دوم نگرانی اسرائیل بعنوان متحد درجه یک امریکا در منطقه از قدرت موشکی ایران است، دقیق نکته که اسرائیلی ها به ترامپ گوشزد کردند. حالا احتمالا حمله امریکا، ایران را وای داشت تا با تمام قدرت گنبد آهنین اسرائیل را به چالش بکشند و تلفات سنگین بوجود بیاورد. این نگرانی اسرائیل را ناگزیر به اقتناع عقب نشینی ترامپ از حمله به ایران کرده است.

فاکتور سوم واکنش تند پکن علیه تصمیم ترامپ در حمله علیه ایران است. چینائی ها و روس ها با اختطاف رئیس جمهور ونزوئلا از جانب امریکا خشمگین اند و حرکت بعدی ترامپ در حوزه نفوذ خودشان مخصوصا چینائی ها را به واکنش متقابل در محدوده منافع امریکا در منطقه می گردانند. بنابر وجود تمام این فاکتورها امریکایی ها در حال حاضر تلاش می کنند ایران را تنها از ارتقای مجدد قدرت دست اول در شرق میانه مخصوصا بازدارندگی اتمی مانع شوند. در اینجا هدف غایی حفظ ایران ضعیف در منطقه است نه برهم زدن توازن قدرت در شرق میانه